



محمد سینا صصلایی

کارشناس روابط بین الملل

ظهور چین به‌عنوان یک قدرت اقتصادی و تکنولوژیکی، نگرانی‌های عمیقی برای آمریکا ایجاد کرده است. پیشرفت سریع چین در حوزه‌های فناوری، هوش مصنوعی و تولید، آمریکا را واداشته تا به دنبال راه‌هایی برای مهار این رقیب استراتژیک باشد. یک استراتژی می‌تواند استفاده از الگوی تاریخی هنری کیسینجر، وزیر خارجه اسبق این کشور در دوران جنگ سرد، باشد. کیسینجر با بهره‌گیری از اختلافات میان شوروی و چین، موفق شد با نزدیکی به پکن، مسکو را منزوی کند. حالا سؤال اینجاست: آیا آمریکا می‌تواند با نزدیکی به ایران و روسیه، از طریق بخش انرژی و توافق‌های دیپلماتیک، چین را مهار کند؟ هنری کیسینجر با رویکرد عمل‌گرایانه شناخته می‌شود و استراتژی‌هایش بر تعادل قدرت و مدیریت بحران‌های جهانی متمرکز بود. کیسینجر از استراتژی‌های مشهوری همچون «دیپلماسی شالتی» در جنگ رمضان سال ۱۹۷۲ برای میانجی‌گری بین اسرائیل و اعراب همچنین استراتژی تنش‌زدایی «دتانت» برای کاهش تنش با شوروی، در رقابت تسلیحاتی جنگ سرد استفاده کرد. اما معروف‌ترین استراتژی او، «دیپلماسی مثلثی» بود که با نزدیکی به چین (دشمن شوروی)، شوروی را تحت فشار قرار داد. در دهه ۱۹۷۰، کیسینجر با هدف مهار شوروی، دشمن اصلی آمریکا در جنگ سرد، استراتژی‌ای به نام دیپلماسی مثلثی طراحی کرد. در آن زمان، دو قدرت کمونیستی، یعنی شوروی و چین، اگرچه هر دو دشمن آمریکا بودند، اما با یکدیگر اختلافات عمیق تاریخی، ایدئولوژیک و مرزی داشتند. کیسینجر تصمیم گرفت با چین، که دشمن ضعیف‌تر بود و با شوروی اختلاف داشت، رابطه برقرار کند. نتیجه این شد که کیسینجر در سال ۱۹۷۱ مخفیانه به پکن سفر کرد، و در سال ۱۹۷۲ یک‌سون با مانو دیدار کرد. این نزدیکی باعث شد شکاف بین چین و شوروی عمیق‌تر شود و شوروی منزوی گردد. به زبان ساده، آمریکا با یک دشمن (چین) که با دشمن اصلی (شوروی) اختلاف داشت، متحد شد تا دشمن اصلی را تضعیف کند. دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور فعلی آمریکا، ممکن است بخواهد این استراتژی را معکوس کند؛ یعنی با نزدیکی به ایران و روسیه، چین را منزوی کند. این ایده برخلاف دیپلماسی مثلثی اصلی، آمریکا به جای اتحاد با یک دشمن ضعیف‌تر که با دشمن اصلی اختلاف دارد، به سراغ دو کشوری می‌رود که در حال حاضر با دشمن اصلی (چین) متحد هستند: ایران و روسیه. هدف این است که با بهبود روابط با ایران و روسیه، اتحاد این دو با چین تضعیف شود و از اهرم انرژی برای فشار بر چین استفاده شود. به زبان ساده، آمریکا در این استراتژی با دوستان دشمنش (ایران و روسیه) که با چین متحد هستند) دوست می‌شود تا اتحاد آنها با چین را بشکند و چین را تحت فشار قرار دهد. استراتژی معکوس از سه عنصر کلیدی تشکیل شده است: ۱) شناسایی وابستگی چین به انرژی ایران و روسیه، ۲) ایجاد اهرم‌های فشار از طریق افزایش عرضه انرژی این دو کشور به بازارهای جهانی ۳) تضعیف اتحاد سه جانبه ایران، روسیه و چین از طریق مشوق‌های دیپلماتیک و اقتصادی. چین به عنوان بزرگ‌ترین مصرف‌کننده انرژی جهان، به شدت به واردات نفت و گاز وابسته است. بر اساس گزارش آژانس بین‌المللی انرژی (IEA)، چین در سال ۲۰۲۴ بیش از ۷۰ درصد از نفت خام و ۴۰ درصد از گاز طبیعی مورد نیاز خود را از طریق واردات تأمین کرده است. ایران و روسیه، با در اختیار داشتن حدود ۲۰ درصد از ذخایر نفت و ۴۰ درصد از ذخایر گاز جهان، نقش مهمی در تأمین این منابع دارند. چین همچنین به دلیل توافقی ۲۵ ساله با ایران و همکاری‌های عمیق با روسیه، در بخش تأمین انرژی به این دو کشور وابسته شده است. یکی از محورهای این استراتژی، بهبود روابط با ایران است. مذاکرات غیرمستقیم ایران و آمریکا نشانه‌هایی از تمایل واشنگتن به کاهش تنش‌ها نشان می‌دهد. ایران تضمین‌هایی برای صلح‌آمیز بودن برنامه هسته‌ای ارائه کرده و آمریکا به دنبال محدودیت‌های سخت‌گیرانه‌تر است. یک توافق احتمالی می‌تواند شامل لغو بخشی از تحریم‌ها در ازای محدودیت‌های هسته‌ای باشد، که به ایران اجازه می‌دهد تولید نفت خود را به حدود ۴/۴ میلیون بشکه در روز افزایش دهد. عرضه نفت ایران در بازار جهانی می‌تواند انحصار صادراتی نفت ایران به چین را بشکند و به چین، که سالانه بیش از ۵۵۰ میلیون تن نفت وارد می‌کند، فشار اقتصادی وارد کند. این اقدام همچنین می‌تواند ایران را از مدار چین خارج کند و توافقی ۲۵ ساله تهران- پکن را تضعیف کند. در جبهه روسیه، آمریکا تلاش‌هایی برای کاهش تنش در جنگ اوکراین آغاز کرده است. آتش‌بس موقت ۳۰ روزه بین روسیه و اوکراین، با تمرکز بر حوزه انرژی و زیرساخت‌ها، نشان‌دهنده تمایل به پایان دادن به درگیری‌هاست. کاهش فشار بر روسیه همچنین می‌تواند این کشور را از اتحاد نزدیک‌تر با چین دور کند. روسیه در سال‌های اخیر به دلیل تحریم‌های غربی، به شریک اصلی چین تبدیل شده و سالانه بیش از ۱۰۰ میلیون تن نفت به این کشور صادر می‌کند. نزدیکی آمریکا به روسیه می‌تواند این وابستگی را تضعیف کند. استراتژی معکوس کیسینجر، با تمرکز بر اهرم انرژی، می‌تواند فرصتی برای مهار چین از طریق نزدیکی به ایران و روسیه باشد. افزایش عرضه نفت و گاز این دو کشور به بازارهای جهانی، نه تنها می‌تواند اقتصاد چین را تحت فشار قرار دهد، بلکه اتحاد سه‌جانبه تهران- مسکو- پکن را تضعیف کند. با این حال، موفقیت این استراتژی به توانایی آمریکا در غلبه بر بی‌اعتمادی تاریخی، مدیریت تنش‌ها با متحدانش و ارائه مشوق‌های واقعی به ایران و روسیه بستگی دارد. در غیر این صورت، این رویکرد ممکن است به جای مهار چین، به تقویت اتحاد رقبای آنزوی دیپلماتیک آمریکا منجر شود.

مرتضی مکی در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

## ترامپ میز مذاکره با ایران را ترک نخواهد کرد



ترامپ می‌خواهد توافق با ایران را یک دستاورد

مهم بین‌المللی معرفی کند

برکناری والتز می‌تواند یک سیگنال مثبت برای

توافق با ایران باشد

آرمان ملی- احسان انصاری: با به تعویق افتادن دور چهارم مذاکرات ایران و آمریکا و همچنین برکناری والتز از مشاور امنیت ملی آمریکا آینده مذاکرات هسته‌ای در هاله‌ای از ابهام قرار گرفته است. این در حالی است که گمانه‌زنی‌ها درباره آینده سیاسی ویتکاف نیز افزایش پیدا کرده است. از سوی دیگر رفتارشناسی گروسی و آژانس بین‌المللی هسته‌ای نیز بیانگر نقش مخرب وی در مذاکرات ایران و آمریکا است. همه این عوامل چشم‌انداز مبهمی را پیش روی مذاکرات ایران و آمریکا قرار داده است. «آرمان ملی» برای تحلیل و بررسی این مسائل با مرتضی مکی تحلیلگر روابط بین‌الملل گفت‌وگو کرده است. مکی در این زمینه معتقد است: «ترامپ زمانی که وارد کاخ سفید شد اعلام کرد که خیلی زود بحران اوکراین را حل خواهد کرد. این در حالی است که در شرایط کنونی که بیش از ۱۰۰ روز از عمر دولت دوم وی

شکاف بین تندروها و میانه‌روها در کابینه دونالد ترامپ در حالی تشدید شده که آینده مذاکرات با ایران را تحت تأثیر قرار داده است. آیا این شکاف و تعارض می‌تواند مسیر مذاکرات ایران و آمریکا را تغییر دهد؟

از همان ابتدای شکل‌گیری کابینه ترامپ جریان‌های مختلفی در اطراف وی حضور داشتند که به دنبال این بودند که به شکل‌های مختلف روی تصمیم‌گیری‌های ترامپ تأثیر بگذارند. این وضعیت درباره نئونکان‌ها یا تندروهای پیرامون ترامپ نیز وجود داشته است. گروه دیگری که به میانه‌روهای کابینه موسوم هستند، اما همواره به مدیریت بحران و پرهیز از تنش‌افزایی حرکت می‌کردند. در واقع این دو جریان در کنار هم حلقه اصلی تصمیم‌گیری کابینه ترامپ را تشکیل می‌دهند. والتز و معاونش و همچنین رویو وزیر امور خارجه آمریکا از جمله نئونکان‌هایی بودند که در حلقه تصمیم‌گیری ترامپ حضور داشتند و دیدگاه‌های تندی درباره مسائل مختلف داخلی و بین‌المللی آمریکا از جمله ایران داشتند. در مقابل دیوید ونس معاون رئیس‌جمهور آمریکا و ویتکاف قرار داشتند که رویکرد متعدلی داشتند و دنبال این بودند که آمریکا از جنگ نظامی با ایران اجتناب کند. در چنین شرایطی هنگامی که ترامپ به جای اینکه از بین‌گروه تندرو، مذاکره‌کننده با ایران را انتخاب کند ویتکاف را مأمور مذاکره با ایران کرد نشان داد که دنبال پرهیز از تنش و رسیدن به یک راه حل با استفاده از دیپلماسی است. در چنین شرایطی بود که امیدواری‌ها نسبت به کاهش تنش‌ها بین ایران و آمریکا و حتی احتمال توافقی بین دو کشور به وجود آمد. در سه دور مذاکره‌ای که بین ایران و آمریکا برگزار شد نیز گمانه‌زنی‌ها و اخباری که در این زمینه منتشر شد، بیانگر روند مثبت مذاکرات بود و این امیدواری را ایجاد کرده بود که ایران و آمریکا به جای تنش و درگیری در نهایت به یک توافق دست پیدا می‌کنند.

برکناری والتز به چه میزان روی معادلات ایران و آمریکا تأثیرگذار خواهد بود؟

برکناری والتز نشان می‌دهد که ترامپ زیاد به سمت تندروها تمایل ندارند. اگرچه نمی‌توان تأثیر آنها را نادیده گرفت. در دولت اول ترامپ نیز چنین اتفاقی رخ داد و وزیر خارجه اول وی نزدیک به یک سال در این سمت فعالیت کرد و پس از آن برکنار شد. این وضعیت درباره جان پاولتن نیز وجود داشت. به نظر می‌رسد در دولت دوم ترامپ نیز باید شاهد

با توجه به بن‌بست در بحران اوکراین و شرایط خاصی که در غزه وجود دارد، بعید نیست که ترامپ دنبال این است که در کوتاه‌مدت به توافق با ایران رسیده و آن را به عنوان یک دستاورد مهم بین‌المللی مطرح کند

سه شنبه  
۱۶ • ۰۲ • ۱۴۰۴  
۸ ذی‌القعده ۱۴۴۶ / ۶ می ۲۰۲۵

سال هشتم  
شماره ۲۱۰۰

armanmeli.ir



می‌گذرد خوش‌بینی‌های وی نسبت به حل بحران اوکراین به بدبینی تبدیل شده است. در روزهای اخیر حتی برخی از مقامات آمریکایی از احتمال اینکه در اوکراین آتش‌بسی اعلام نشود سخن می‌گویند. در چنین شرایطی ترامپ به یک دستاورد مهم در عرصه بین‌المللی نیاز دارد. با توجه به بن‌بستی که در بحران اوکراین به وجود آمده و همچنین شرایط وحشی که در غزه وجود دارد بعید نیست که ترامپ به دنبال این است که در کوتاه‌مدت به توافق با ایران دست پیدا کند و آن را به عنوان یک دستاورد مهم بین‌المللی مطرح کند. شرایط به شکلی رقم خورده که توافق با ایران برای ترامپ احتمالاً راحت از دستاوردهای دیگر به دست خواهد آمد و به همین دلیل وی دنبال این است که این اتفاق در کوتاه‌مدت رخ بدهد.» در ادامه محصل این گفت‌وگو را می‌خوانید.

ترامپ متوجه شده که سیاست تنش در مقابل ایران نتیجه نمی‌دهد و تغییر رویه داده است. این در حالی است که ایران نیز مسیر دیپلماسی را انتخاب کرده و این وضعیت می‌تواند نویدبخش به نتیجه رسیدن مذاکرات باشد

مثبت در راستای توافق با ایران ارزیابی کرد. تغییرات عجیب در کابینه ترامپ به همراه شخصیت غیرقابل پیش‌بینی ترامپ به شکلی است که گمانه‌زنی‌های مختلفی را درباره آینده مذاکرات به وجود آورده است. من بعید می‌دانم ترامپ در این مرحله میز مذاکره با ایران را ترک کند. این در حالی است که در شرایط کنونی ایران اراده‌ای جدی برای رسیدن به توافق دارد. این اراده شاید در دولت آقای رئیسی وجود نداشت و به همین دلیل موانع زیادی پیش روی مذاکرات قرار می‌گرفت. با این وجود شرایط تغییر کرده و امروز ایران برای رسیدن به توافق جدی است. نکته مهمی که در این زمینه وجود دارد این است که ایران در شرایط بسیار حساسی قرار دارد و به همین دلیل بهترین تصمیم را گرفته که همان گفت‌وگو و دیپلماسی است.

در روزهای اخیر گمانه‌زنی‌هایی مبنی بر نقش مخرب رافائل گروسی مدیر کل آژانس انرژی اتمی در مذاکرات ایران و آمریکا وجود داشته است. این گمانه‌زنی‌ها به چه میزان می‌تواند به واقعیت نزدیک باشد؟

واقعیت این است که از همان ابتدا که گروسی به عنوان مدیرکل آژانس انتخاب شد نگرانی‌هایی نسبت به نوع رویکرد وی درباره ایران وجود داشت. من معتقدم در شرایط کنونی ایران باید تلاش خود را با شرایط نهادهای بین‌المللی تطبیق بدهد. به هر حال رویکرد آژانس در سال‌های اخیر سیاسی بوده و در مقاطعی نیز بهره‌برداری سیاسی آمریکا از گزارش‌های آژانس درباره پرونده هسته‌ای ایران و ارجاع آن به شورای امنیت نیز مشهود بوده است. به هر حال ما باید بپذیریم که آژانس تنها مرجع بررسی و نظارت بر شفافیت پرونده هسته‌ای ایران است. تحرکات گروسی در هفته‌های اخیر و سفر وی به آمریکا و برخی کشورهای اروپایی نشان می‌دهد که وی احتمالاً دنبال برهم زدن فضای مذاکرات هسته‌ای و به وجود آوردن زمینه‌های فعال کردن مکانیسم ماشه است. با این وجود ادامه مذاکرات و رویکرد دیپلماتیک در زمینه پرونده هسته‌ای از سوی ایران می‌تواند زمینه شفافیت را درباره پرونده هسته‌ای و همکاری با آژانس به وجود آورد. ایران زمان زیادی در اختیار ندارد و نباید زمان را از دست بدهد. به همین دلیل آژانس یک نقطه طلایی است که ایران می‌تواند با همکاری و متقاعد کردن آن زمینه‌های پیشبرد اهداف خود را در زمینه استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای به وجود بیاورد.

تحرکات گروسی در هفته‌های اخیر و سفر وی به آمریکا و برخی کشورهای اروپایی نشان می‌دهد که وی احتمالاً دنبال برهم زدن فضای مذاکرات هسته‌ای و به وجود آوردن زمینه‌های فعال کردن مکانیسم ماشه است

رئیس‌جمهور در جلسه رأی اعتماد به وزیراغت «آقای صالحی تمایلی به پذیرش مسئولیت وزارت ارشاد نداشت، اما رهبر معظم انقلاب پیام داد که نباید و این مسئولیت را قبول کند.» حال این سوال مطرح است که آقای صالحی چرا از مأموریت‌های مربوط به حوزه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با قوت و قدرت دفاع نمی‌کند؟ این عضو مجمع روحانیون مبارز با بیان اینکه نباید با موضوعات فرهنگی ابزاری برخورد کرد، یادآور شد: «مملکت قانون دارد و اگر اراده‌ای بر اجرای قانون باشد، باید با کسی که می‌خواهد ادامه داد، متولی مستقیم امر وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی است. اگر او شجاع و بااراده کند تا آنها برای اجرای قانون با شجاعت وارد میدان شوند، اما اگر وزیر بخواهد مانند دیگران تماشاجی باشد، چنین رویکردی قابل دفاع نیست.

پشت پرده توقف مذاکرات ایران و آمریکا  
واشنگتن چه در سر دارد؟

توقف راند چهارم رایزنی‌های ایران و آمریکا لزوماً به معنای شکست نیست، اما ایالات متحده تهدیدهای ادعایی خود علیه تهران را به‌طور قابل توجهی افزایش داده است. میدل‌ایست‌آی مدعی شد: سه‌شنبه گذشته، مذاکره‌کنندگان ایران و آمریکا در عمان با یکدیگر دیدار کرده‌اند؛ مذاکراتی که از زمان دولت اوباما بی‌سابقه بوده است. هدف ایران، رفع تحریم‌هاست و ایالات متحده به دنبال توقف غنی‌سازی اورانیوم ایران است، به‌ویژه با توجه به نگرانی‌های اسرائیل از احتمال عبور تهران از آستانه گریز هسته‌ای.

چرخش دوباره آمریکا؟

این رسانه ادعا کرد: عباس عراقچی، وزیر خارجه ایران، در پستی در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «به همراه طرف‌های عمانی و آمریکایی، تصمیم‌گرفتم دور چهارم مذاکرات را به دلایل فنی و لجستیکی به تعویق بیندازیم. از طرف ایران، هیچ تغییری در عزم ما برای دستیابی به راه‌حلی از مسیر مذاکره ایجاد نشده است. برنامه هسته‌ای ایران همواره صلح‌آمیز باقی خواهد ماند و در عین حال حقوق ایران به‌طور کامل رعایت خواهد شد.» با این حال، واشنگتن اساساً هرگونه برنامه‌ریزی برای برگزاری چنین نشستی را منکر شد. در همین راستا، تامی بروس، سخنگوی وزارت خارجه آمریکا روز پنج‌شنبه در پاسخ به مواضع عراقچی گفت: «ایالات متحده هرگز تأیید نکرده بود که در دور چهارم مذاکرات در هیچ مکانی شرکت خواهد کرد. ممکن است زمان و مکان مذاکراتی در آینده نزدیک مشخص شود، اما فعلاً در این باره صحبت نمی‌کنیم.» به‌ادعای این وبگاه، احتمالاً نحوه رفتار و لحن ایالات متحده در روزهای اخیر باعث بروز این وضعیت شده است. رابان کاستلو، مدیر سیاست‌گذاری در شورای ملی ایرانیان آمریکایی (NIAC)، در این باره گفت: «ظاهر نشانه‌های نگران‌کننده‌ای در پس این تعویق وجود دارد. گزارش‌هایی از ایران حاکی از آن است که ممکن است موضوع فقط موانع لجستیکی نباشد، بلکه تغییر در موضع آمریکا باعث این تأخیر شده باشد.» این وبگاه در ادامه ادعایش آورد: اوایل این هفته، ایالات متحده چهار فروشنده محصولات پتروشیمی ایران و یک خریدار را تحریم کرد؛ گروهی که به ادعای واشنگتن «صدها میلیون دلار درآمد غیرقانونی برای فعالیت‌های ارتش تأمین کرده‌اند، همزمان دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، در پلتفرم تروث سوشل مدعی شد: «تمام خریدهای نفت با محصولات پتروشیمی از ایران باید فوراً متوقف شود؛ هر کشور یافردی بخرد، مقدار اندکی نفت یا پتروشیمی از ایران بخری، بلافاصله ممنول تحریم‌های ثانویه خواهد شد. آنها دیگر تحت هیچ شرایطی اجازه تجارت با ایالات متحده را نخواهند داشت.»

همه‌ادعاهای ترامپ

به ادعای میدل‌ایست‌آی، هنوز مشخص نیست که پیام هگست در چه زمانی ارسال شد و دقیقاً چه معنایی دارد، اما او به‌خاطر برخی ناگامی‌ها در رعایت پروتکل‌های امنیت ملی، مورد انتقاد قرار گرفته است. ممکن است اوتفش (پلیس بد) «بازی کند؛ نقشی که ترامپ اغلب در عرصه عمومی برای اهداف داخلی به کار می‌برد. در پشت پرده، ترامپ کسی بود که آغازگر این مذاکرات شد و نامه‌ای به رهبری ایران فرستاد. در میدان عمل نیز، نماینده غیررسمی ترامپ در اغلب امور، استیون ویتکاف، تاکنون بیشتر بر موضوع «راستی‌آزمایی» در برنامه هسته‌ای ایران تمرکز کرده تا انتخاب مواضع حداکثری که می‌تواند تهران را از میز مذاکره دور کند و فرصت رسیدن به توافقی با نام ترامپ را از بین ببرد. اما به‌طور پیچیده‌تری، ویتکاف در همین راستا خسرو اصفهانی، پژوهشگر مؤسسه «اتحاد ملی برای دموکراسی در ایران»، گفت: «بین تحریم‌ها، دیپلماسی و گزینه‌های نظامی پیوندی وجود دارد. ایالات متحده در حال بهره‌گیری از تمام ابزارهای سیاست خارجی‌اش برای مقابله ادعایی با ایران است.» وی ادعا کرد: تهران ممکن است با این تصور وارد مذاکرات شده باشد که می‌تواند آمریکا را به امضای توافقی ضعیف وادار کند. توافقی مشابه برجام بدون ارائه امتیازات معنادار، برجام همان برنامه جامع اقدام مشترک است که در سال ۲۰۱۵ با دولت اوباما منعقد شد و ترامپ در سال ۲۰۱۸ از آن خارج شد. عراقچی ماه گذشته گفت: «برجام دیگر برای ما سودی ندارد» و به گفته وزیر امور خارجه ایران: «(ترامپ) اهم توافقی دیگر شبیه برجام نمی‌خواهد.» ایران پس از روسیه دومین کشوری است که تحت شدیدترین تحریم‌های آمریکا قرار دارد. تهران همواره تأکید کرده که به دنبال عبور از آستانه گریز هسته‌ای نیست و رهبر ایران در سال ۲۰۱۹ اعلام کرده بودند که چنین گزاره‌ای «بر اساس فقه اسلامی حرام است.» با این حال، ایران در حال حاضر در حال غنی‌سازی اورانیوم تا سطح ۶۰ درصد است یعنی نزدیک به سطح مورد نیاز برای عبور از آستانه گریز هسته‌ای و از سانس‌تیرفروشی پیشرفته‌تر سایت غنی‌سازی فردو که در عمق زمین ساخته شده، استفاده می‌کند. به‌ادعای شورای ملی ایرانیان آمریکایی، این روند کاملاً مستند شده است. روز جمعه، ماکرو رویو، وزیر خارجه آمریکا، باردیگر خواستار توقف کامل تمام اشکال غنی‌سازی اورانیوم توسط ایران شد.